

دکتر باقرپور کاشانی



اُمه عليها السلام با داشتن ثروت، ساده زیست بودند!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ائمه عليهم السلام با داشتن ثروت، ساده زیست بودند!

در ارتباط با ائمه معصومین عليهم السلام هم نگاه نکنید این ها این طوری نبوده که فرض کنید آدم های فقیر و بیچاره ای باشند! نه! اتفاقاً ثروت زیادی هم داشتند!

ثروت در سطحی بوده که مثلاً حضرت مجتبی علیه السلام که یک فرد ثروتمندی بوده؛ نسبت به امام حسین علیه السلام فرد ثروتمندی بوده. اما امام حسن علیه السلام تمام اموالش را سه بار کلاً در راه خدا داد!

البته تأکید کردند به ما مثل ما نمی توانید باشید! حتی گفتند ما مثل پدرمان علی هم نمی توانیم به تعبیری باشیم! علی در شرایطی بود که ساده زیستی خاصی داشت.

مثلاً سفیان ثوری اگر اشتباه نکنم، که صوفی ها به این خیلی علاقه دارند، یک انگلی می خواهد به امام صادق علیه السلام بزند، می گوید آقا تو مثل جدت علی زندگی نکردی! جدت علی آن لباسی که زیرش بود لباس خشنی

بود به تعبیری! چه لباسی هست که پوشیدی! آقا لباس را می‌زند کنار می‌گوید دست بزن، لباس خشن را پوشیدم! آن چیزی که به تنم آسودگی نداشته باشد! اما این برای شرایط این زمان هست! اقتضای دین این است که بالاخره این لباس را من بپوشم! در زمان حضرت امیر جور دیگری بود!

عرض من این است که نسبت به ائمه معصومین وقتی که نگاه می‌کنید این‌ها آدم‌های ثروتمند بودند، اما به ساده‌زیستی انس گرفتند. و یک حالت دیگری هم بود نسبت به ائمه؛ دوست داشتند نسبت به متوسط یا پایین اجتماع به تعبیری زندگی بکنند! چون این‌ها الگو بودند. تا کسی حرف بزند می‌گوید ما هم همین‌طور زندگی می‌کنیم! تو نان جو می‌خوری ما هم نان جو می‌خوریم! چند جور غذا استفاده می‌کنم؟ یک جور غذا استفاده می‌کنم!

لذا همان شب ضربت خوردن حضرت امیر، وقتی ام‌کلثوم دو جور غذا آورد، نان جو و شیر، حضرت گفتند کی دیدی که تا حالا سر سفره دو جور غذا باشد که من دو جور بخواهم استفاده بکنم؟! یکی استفاده کردم!

یعنی می‌خواهم بگویم که مدل، به این مدل بوده! در حینی که پول داشتند، مردم هم می‌دانستند این‌ها آدم‌های پولداری هستند، اما می‌دانستند این‌ها ساده‌زیست هستند! بین تمام عرب، امام حسین علیه‌السلام یک آدم ثروتمندی می‌دانستند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم همین‌طور، امام حسن علیه‌السلام هم همین‌طور، سایر معصومین علیهم‌السلام همین‌طور! اما همه این‌ها ساده‌زندگی می‌کردند!

یعنی اگر ما چنانچه الگو بخواهیم قرار بدهیم، مثل آن‌ها نمی‌توانیم باشیم، اما بالاخره شباهت نسبت به آن‌ها بخواهیم داشته باشیم.

یادم هست آیت‌الله سیدان، ایشان نقل می‌کرد گفت وقتی می‌خواستم خواستگاری همسرم برم، همسر سابقم - همسر آیت‌الله سیدان، خواهر آیت‌الله سیستانی هستند - می‌گفتند که با استاد خودمان، آیت‌الله آقا شیخ مجتبی قزوینی، رفتیم منزل پدر آقای سیستانی برای خواستگاری این خانم. می‌گفت وقتی که به اتاقی وارد شدیم، یک وقت دیدیم این فرش برعکس هست! بعداً که حالا ازدواج کردیم فهمیدیم که پشت فرش سالم‌تر از روی فرش بوده! می‌گفت یک کاغذ خیلی ساده و معمولی به

دیوار همان اتاق زده شده بود. عبارت چی بود؟! عبارت این بود که  
سلمان می‌گفت:

«هَذَا لِمَنْ يَمُوتُ كَثِيرًا»، متن این بود! «هَذَا» این، «لِمَنْ يَمُوتُ» برای  
کسی که می‌میرد، «كَثِيرًا» زیاد هست! «هَذَا لِمَنْ يَمُوتُ كَثِيرًا» این برای  
کسی که بخواهد بمیرد همین هم زیاد هست! لذا این طوری بود!

یادم هست که باز حاج آقا از استاد خودشان نقل می‌کردند می‌گفتند دیوار  
به مشکل خورده بود، سقف خانه‌شان به مشکل خورده بود، بنا آوردند  
گفت این کار را باید انجام بدهیم. حاج آقا گفت اگر این کار را انجام  
بدهید به قوت کار هست یا به زیبایی؟! گفت نه این برای زیبایی هست.  
گفت زیبایی‌اش را نمی‌خواهم! یک کاری بکن قوت سقف باشد!  
زیبایی‌اش حالا برای ما مطرح نیست!

علی‌ای حال بله! بزرگان هم مشی می‌کردند به همین صورت بوده، و ائمه  
ما هم ساده‌زیست بودند. اما اگر چنانچه کسی ساده‌زیست نباشد  
این طوری نیست که دوزخی بشود! عرض من این است که مسئولیتش  
سخت‌تر هست، کار مشکل‌تر هست، نفس هم بالاخره انس می‌گیرد به  
این مسائل، جمع و جور کردنش یک مقدار مشکل‌تر هست!

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيَّمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ



@aparat.com/be  
\_sooye\_zohoor



v\_bagherpour\_  
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpoor-  
kashani.com/



@serat12k



youtube.  
com/c/seratehagh



https:  
//naakhodaa.ir